

زبان‌شناسی کاربردی انتقادی: رویکرد میان‌رشته‌ای سنجش‌گر در نقد و ارزیابی شاخه‌های زبان‌شناسی کاربردی

حسین داوری^۱

دریافت: ۱۳۹۴/۳/۱۶؛ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۹

چکیده

ظهور جهت‌گیری‌ها و رویکردهای بارز انتقادی از نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ به بعد در عرصه زبان‌شناسی کاربردی با واکنش‌های موافق و مخالف متعددی روبرو بوده است؛ جهت‌گیری‌ها و رویکردهایی که هریک به فراخور قوت و اهمیت خود، شماری از ادعاها، مبانی و مفروضات رویکردهای غالب در این عرصه را به چالش کشیده است. از جمله این رویکردهای نوظهور می‌توان به «زبان‌شناسی کاربردی انتقادی» اشاره کرد. مبدع این رویکرد، آلستر پنی‌کوک، زبان‌شناس برجسته استرالیایی است که ابعاد، حوزه‌ها و علایق آن در سال ۲۰۰۱ در اثری مستقل به جامعه زبان‌شناسی کاربردی معرفی شد. نظر به اهمیت انکارناپذیر نظری و کاربردی آن و البته مغفول ماندن نسبی این رویکرد میان‌رشته‌ای که سنجش و ارزیابی شاخه‌های مختلف زبان‌شناسی کاربردی را مبتنی بر مبانی و علایق خاصی دنبال می‌کند، این مقاله علاوه بر معرفی این رویکرد و حوزه‌ها و علایق آن، با هدف نشان دادن نحوه گام‌به‌گام بهره‌جویی از آن در سنجش و نقد حوزه‌های زبان‌شناسی کاربردی، به‌طور خاص با نیم‌نگاهی به تناسب و اهمیت موضوع با جامعه ایران، از بین شاخه‌های گوناگون، به دو شاخه شاخص آموزش زبان انگلیسی و سیاست و برنامه‌ریزی زبان انگلیسی پرداخته تا تصویری ملموس و کاربردی از ماهیت میان‌رشته‌ای و کارکردهای سنجش‌گرایانه آن معرفی و تبیین شود. یافته‌های حاصل از بهره‌جویی از این رویکرد میان‌رشته‌ای در دو حوزه مورد بررسی، بیانگر کارآمدی آن در هرگونه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزشی و زبانی متناسب با بافت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه هدف می‌باشد.

کلیدواژه: زبان‌شناسی کاربردی انتقادی، رویکرد میان‌رشته‌ای، ارزیابی، آموزش زبان انگلیسی، سیاست زبانی.

زبان‌شناسی کاربردی^۱، به مثابه شاخه‌ای میان‌رشته‌ای که به حل و یا دست‌کم بهبود مشکلات اجتماعی مرتبط با زبان می‌پردازد (دیویس و الدر^۲، ۲۰۰۴)، واکنش به سنتی قدرتمند در عرصه زبان‌شناسی بود که به طور خاص با ظهور زبان‌شناسی زایشی^۳ در دهه ۱۹۵۰، محدود ساختن گستره علم زبان‌شناسی را به همراه داشت. زبان‌شناسی کاربردی که برای زبان و مطالعات زبانی، نقشی پاسخ‌گو در عرصه اجتماعی قائل است، با بهره‌جویی از یافته‌های زبان‌شناسی نظری، کاربردهایی برای علم زبان‌شناسی متصور است که نتیجه آن در دهه‌های بعد، ظهور و گسترش زیرشاخه‌هایی میان‌رشته‌ای همچون جامعه‌شناسی زبان، روان‌شناسی زبان، عصب‌شناسی زبان، آموزش زبان، فرهنگ‌نویسی، مطالعات ترجمه، سیاست و برنامه‌ریزی زبان و... بوده است؛ زیرشاخه‌هایی با ماهیتی میان‌رشته‌ای که نمی‌توان دستاوردهای آن را در حوزه‌های مختلف نادیده گرفت (کاپلان، ۲۰۱۰). البته جریان زبان‌شناسی کاربردی نیز تا حد قابل‌توجهی متأثر از سنت اثبات‌گرایی بوده است؛ سنتی که براساس نظریه‌ی کوک^۴ (۲۰۰۱ و ۲۰۰۴) روح حاکم بر جریان‌های علمی قرن بیستم بوده است. در سایه چنین حاکمیتی بود که کمتر فضایی برای ابراز و نقش‌آفرینی اندیشه‌های نوظهور انتقادی در این عرصه وجود داشت.

در آغاز دهه ۱۹۹۰ این عرصه نیز شاهد طرح ابتدایی رویکردی میان‌رشته‌ای با عنوان زبان‌شناسی کاربردی انتقادی^۵ بود؛ رویکردی که مبانی، مفاهیم و اصول آن یک دهه بعد در آثار پنی‌کوک (۲۰۰۱) آشکارا و به نحوی جامع مطرح شد. گرچه بیشتر و متأثر از اندیشه‌ها و جریان‌هایی انتقادی همچون تحلیل گفتمان انتقادی^۶ (فوکو^۷، ۱۹۷۵؛ فرکلاف^۸، ۱۹۸۹) و آموزش انتقادی^۹ (فریر^{۱۰}، ۱۹۷۰) شاهد تأثیرپذیری حوزه زبان‌شناسی از اندیشه‌های انتقادی بودیم، اما امروزه زبان‌شناسی کاربردی انتقادی را می‌توان یکی از برجسته‌ترین و پویاترین رویکردهای



1. Applied Linguistics
2. Davies and Elder
3. Generative Linguistics
4. Pennycook
5. Critical Applied Linguistics
6. Critical Discourse Analysis
7. Foucault
8. Fairclough
9. Critical Pedagogy
10. Frier

انتقادی در حوزه زبان‌شناسی کاربردی برشمرده که به‌طور مشخص، مبتنی بر اصولی معین به نقد جریان زبان‌شناسی کاربردی و شماری از زیرشاخه‌های آن می‌پردازد.

نظربه اهمیت این رویکرد میان‌رشته‌ای نوظهور و مغفول ماندن آن در فضای علمی جامعه ایران ازیک‌سو (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۸) و کارآمدی آن در ارزیابی و نقد شاخه‌های مختلف زبان‌شناسی کاربردی از سوی دیگر (محبوب و پالتریج، ۲۰۱۳)، مقاله حاضر ضمن معرفی ماهیت این رویکرد و مبانی و مفاهیم آن با ذکر دو نمونه از حوزه‌های مهم زبان‌شناسی کاربردی به بررسی جنبه‌های سنجش‌گری آن در بعد نظری و کاربردی می‌پردازد. در واقع حاصل نگارش مقاله حاضر پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱. قلمروهای مطالعاتی و یا به تعبیری دقیق‌تر، حوزه‌ها و علایق این رویکرد میان‌رشته‌ای کدام است؟ ۲. این رویکرد در پژوهش‌های زبان‌شناسی کاربردی در جامعه ایران از چه جایگاهی برخوردار بوده است؟ ۳. نحوه پیشنهادی بهره‌گیری عملی از این رویکرد در مورد دو حوزه مورد بررسی در چارچوب مبانی و راهبردهای ارائه‌شده چگونه خواهد بود؟

۱. پیشینه پژوهش

اگرچه در سال‌های اخیر ازیک‌سو به‌طور خاص به برخی از شاخه‌های زبان‌شناسی کاربردی همچون مطالعات ترجمه (بحرانی، ۱۳۹۰؛ درزی و پاکتچی، ۱۳۹۳)، عصب‌شناسی زبان (اصغری و زندی، ۱۳۹۲) و زبان‌شناسی تربیتی (زندی، ۱۳۹۳) و از سوی دیگر، در برخی از آثار به اهمیت توجه به فهم انتقادی در مطالعات میان‌رشته‌ای (تقویان، ۱۳۹۰) و رویکردهای انتقادی‌ای همچون مطالعات پسااستعماری (دهشیری، ۱۳۹۰؛ موسوی و درودی، ۱۳۹۱) به تفصیل اشاره شده است، اما کمتر به نحوی جامع به ماهیت میان‌رشته‌ای رویکرد نوظهور زبان‌شناسی کاربردی انتقادی و ابعاد نظری و کاربردی آن و به‌ویژه بهره‌گیری عملی از آن در مطالعات زبان‌شناسی کاربردی پرداخته شده است.

با وجود گرایش قابل توجه به این رویکرد میان‌رشته‌ای در پژوهش‌های یک دهه اخیر در عرصه بین‌المللی، و مغفول ماندن نسبی آن با وجود کارآمدی و اهمیت اجتناب‌ناپذیرش، در این بخش آثار معدودی که به نحوی به این رویکرد اشاره داشته‌اند، معرفی می‌شوند. بررسی‌ها بیانگر آن است که نخستین بار آقاگل‌زاده (۱۳۸۵: ۱۵) اجمالاً رویکرد انتقادی پنی‌کوک را به‌عنوان یکی از



رویکردهای زیرمجموعه تحلیل گفتمان انتقادی معرفی کرده است که البته این نگاه در تعارض با دیدگاه پنی کوک (۲۰۰۱) و نیز محبوب و پالتریچ (۲۰۱۳) است. اکبری (۲۰۰۸) نیز صرفاً زبان شناسی کاربردی انتقادی را به عنوان یکی از موضوعات شاخص نوظهور در حوزه مطالعات زبان شناسی کاربردی معرفی کرده است. آقاگل زاده (۱۳۸۸) در مقاله ای با تأکید بر ماهیت میان رشته ای رویکرد مذکور، آن را رویکردی نوین و پویا در زبان شناسی کاربردی برمی شمارد که بر مفاهیم انتقادی و گفتمانی همچون ایدئولوژی، قدرت، گفتمان، نظارت، هویت، جنسیت، نژاد، طبقه و نابرابری ها تأکید دارد که این مقوله ها را با دیگر مقوله های موجود در زبان شناسی کاربردی از قبیل یادگیری زبان، آموزش زبان، متن، بافت، معنا، ترجمه، سوادآموزی، آزمون سازی و ارزشیابی و سیاست و برنامه ریزی زبانی در سطح جامعه و جهان گره می زند. از دیدگاه وی، این خود دلیلی محکم بر ماهیت میان رشته ای رویکرد مذکور است. نویسنده هدف اصلی خود از معرفی این رویکرد را نشان دادن چگونگی پیوند این دسته از مقوله های زبان شناختی به صورت نظری و عملی با مقوله های اجتماعی برمی شمارد. آقاگل زاده در جمع بندی بحث خود در بیان تمایز بین این رویکرد انتقادی با دیگر رویکرد انتقادی مطرح، یعنی تحلیل گفتمان انتقادی، رویکرد فرکلاف را فرهنگی - اجتماعی، رویکرد وندا یک را شناختی - اجتماعی و رویکرد پنی کوک را آموزشی - اجتماعی معرفی می کند که می تواند در زیرمجموعه تحلیل گفتمان انتقادی قرار گیرد. برجیان (۲۰۱۳) از دیگر پژوهشگران ایرانی است که یکی از چارچوب های نظری انتخابی اش در بررسی فرازنشیب های زبان انگلیسی در ایران، رویکرد زبان شناسی کاربردی انتقادی بوده است؛ ادعایی که البته در اثر وی به صراحت نمودی بارز نداشته است.

۲. مبانی و مفاهیم نظری

اصطلاح و رویکرد زبان شناسی کاربردی انتقادی، نخستین بار در سال ۱۹۹۰ از سوی پنی کوک در قالب مقاله ای با عنوان «به سوی زبان شناسی کاربردی انتقادی برای دهه ۱۹۹۰» به جامعه زبان شناسی معرفی شد که در بیش از دو دهه گذشته با تبیین، تعدیل و بسط هایی از سوی وی، و نقدها و بررسی هایی از سوی منتقدان و حامیان این رویکرد همراه بوده است. با مروری بر چهره نخستین این رویکرد پیشنهادی نوظهور بر پایه نظر پنی کوک (۱۹۹۰)، مهم ترین ویژگی های آن را می توان به شرح صفحه مقابل معرفی کرد:



الف. زبان‌شناسی کاربردی انتقادی واکنشی بود به زبان‌شناسی کاربردی رایج^۱ (پنی‌کوک، ۲۰۰۱: ۵) و یا به تعبیر دیویس (۱۹۹۹: ۱۴۲) زبان‌شناسی کاربردی متعارف^۲. به باور مبدع این رویکرد، زبان‌شناسی کاربردی رایج به دلیل ظهور و گسترش در فضای نوگرایی^۳ و سنت حاکم بر فضای علمی، یعنی اثبات‌گرایی یا تحصیل‌گرایی و نیز تأثیرپذیری از زبان‌شناسی نوین سوسوری که سنت ساخت‌گرایی^۴ در آن تبلور یافته است، رویکردی غیراجتماعی، غیرسیاسی و غیرتاریخی محسوب می‌شود. از دیدگاه پنی‌کوک، متأثر از این حال و هوای حاکم بر نیمه دوم قرن بیستم بوده است که تلقی زبان‌شناسی کاربردی رایج این بوده است که الگوها، شیوه‌ها و نظریه‌های تدوین شده در خاستگاهش یعنی غرب، در سراسر جهان اعتبار داشته و از این رو توجهی به بافت و ویژگی‌های منحصر به فرد آن ندارد. پنی‌کوک این غلبه را به صراحت به عنوان هژمونی تفکر علمی غرب بر دنیای معاصر خوانده است که بر زبان‌شناسی کاربردی رایج نیز سایه افکنده است. از این رو، نگرش وی در این رویکرد انتقادی، بهره‌جویی از اندیشه‌های پسانوگرایی^۵ با عنوان پیشنهادی «پسانوگرایی مبتنی بر اصول»^۶ بوده است.

ب. در چهره نخستین این رویکرد، مراد از مفهوم انتقادی، تلفیقی از نقد و تحول^۷ است. وی نیل به این هدف را در گرو توسل به رویکردی سیاسی و اخلاقی معرفی کرده بود.

ج. دامنه پیشنهادی اولیه این رویکرد به چهار حوزه زبان‌شناسی انتقادی^۸، جامعه‌شناسی زبان انتقادی^۹، قوم‌نگاری انتقادی^{۱۰} و آموزش انتقادی خلاصه می‌شد.

اما این چهره نخستین، متأثر از فضای انتقادی نوظهور دهه ۱۹۹۰ با تبیین و بسط از سوی پنی‌کوک همراه شد که تصویر واقعی آن را می‌توان در نوشته‌های پنی‌کوک (۲۰۰۱ و ۲۰۰۴) یافت. به طور خلاصه، می‌توان علایق^{۱۱} و حوزه‌های^{۱۲} آن را در قالب موارد زیر معرفی کرد.

1. Mainstream
2. Normal
3. Modernism
4. Structuralism
5. Postmodernism
6. Principled Postmodernism
7. Critique & Transform
8. Critical Linguistics
9. Critical Sociolinguistics
10. Critical Ethnography
11. Concerns
12. Domains

در این رویکرد، مراد از علایق، مفاهیم و مؤلفه‌های تشکیل دهنده این رویکرد است که عبارتند از:

۲-۱-۱. گونه قوی زبان‌شناسی کاربردی

زبان‌شناسی کاربردی به‌طور خاص در دهه ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ با نوعی دوگانگی در تعریف همراه بود؛ به نحوی که از دیدگاه ویدوسن^۱ (۱۹۸۰ و ۱۹۹۰) زبان‌شناسی کاربردی صرفاً به حوزه آموزش زبان انگلیسی منحصر می‌شد. به باور پیروان این رویکرد، شاخه‌های نوظهوری چون ترجمه، فرهنگ‌نگاری، آسیب‌شناسی گفتار و... که امروزه به‌عنوان حوزه‌های زبان‌شناسی کاربردی شناخته می‌شوند، ذیل مفهوم جدیدی طبقه‌بندی شدند؛ از این رو این حوزه در معنای اولیه محدود خود، یعنی طبقه‌بندی ویدوسن به‌عنوان گونه ضعیف، و در معنای دوم آن به‌مثابه گونه قوی برشمرده می‌شد (مارکی^۲، ۱۹۹۰؛ دوبگراند^۳، ۱۹۹۷). اما در سال‌های بعد آنچه به‌عنوان زبان‌شناسی کاربردی شناخته می‌شود، به‌اندازه‌ای قوی است که علاوه بر آموزش زبان، دیگر حوزه‌ها همچون ترجمه، فرهنگ‌نگاری، روان‌شناسی زبان و... را شامل می‌شود و در عمل، طبقه‌بندی دوگانه ویدوسن را تحت الشعاع خود قرار داده است. بنابراین زبان‌شناسی کاربردی موردنظر در رویکرد پنی‌کوک همین گونه قوی و رایج آن است که به‌عنوان رویکردی پویا، میان‌رشته‌ای و در حال گسترش و با نوعی استقلال‌یابی فزاینده همراه است، شناخته می‌شود؛ رویکردی که حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی، آموزش، ترجمه، مطالعات فرهنگی، روان‌شناسی و... را دربر دارد (پنی‌کوک، ۲۰۰۱: ۳).

در سایه تأکید بر این گونه از زبان‌شناسی کاربردی است که کوک (۲۰۰۹) آن را به‌مثابه حوزه‌ای میان‌رشته‌ای برمی‌شمارد که به مشکلات زبانی و ارتباطی و بازشناسی، تحلیل و حل آنها برپایه نظریات موجود و روش‌های مطرح در حوزه‌های مختلف زبان‌شناسی، و یا بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری و روش‌شناختی نوین در راستای حل چنین مشکلاتی می‌پردازد. وی با تأکید بر ماهیت میان‌رشته‌ای زبان‌شناسی کاربردی، حل چنین مشکلاتی را صرفاً در گرو نگاه به یک رشته یا یک جنبه از آن، یعنی مقوله زبان نمی‌داند و بهره‌جویی از دیگر حوزه‌های علمی همچون فلسفه، جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی و... را ضروری می‌داند. در نتیجه تأکید



1. Widdowson
2. Linguistics Applied (LA)
3. Markee
4. de Beaugrande

رویکرد زبان‌شناسی کاربردی انتقادی به چنین گونه‌ای است که پنی‌کوک (۲۰۰۱) و نیز محبوب و پالتریج (۲۰۱۳) سنجش و نقد شاخه‌های زبان‌شناسی کاربردی در چارچوب این رویکرد را دلیل اصلی ماهیت میان‌رشته‌ای آن برمی‌شمارند.

۲-۱-۲. مفهوم انتقادی

مفهوم انتقادی در این رویکرد ناظر بر نگاه پسانوگرایانه است، به این معنا که با تأکید بر دو مفهوم قدرت و نابرابری و متأثر از اندیشه‌های پسا ساختارگرایانه، همواره در پی به چالش کشیدن مفروضات، ادعاها، اصول و مبانی مطرح شده می‌باشد. نکته قابل تأمل در این رویکرد آن است که به چالش کشیدن و ایجاد تردید در این مفروضات و اصول، صرفاً به حوزه‌ها و رویکردهای جریان غالب در زبان‌شناسی کاربردی خلاصه نشده و همواره بر این نکته تأکید می‌کند که مفروضات و مبانی مطرح در رویکرد انتقادی، تنها به دلیل انتقادی بودن، مصون از سنجش و به چالش کشیدن نبوده است. این همان ویژگی‌ای است که با عنوان خودانعکاسی^۱ شناخته می‌شود. به بیان روشن‌تر، در این نوع رویکرد، مراد از انتقادی، همانا عدم پذیرش بی‌چون و چرای مؤلفه‌ها، مفروضات و باورهای مسلم و بدیهی در این حوزه و تلاش برای به چالش کشیدن مداوم آنها و طرح پرسش‌های جدید و چالش برانگیز در مورد مؤلفه‌های دخیل است (دین، ۱۹۹۴؛ پنی‌کوک، ۲۰۰۱). به باور پنی‌کوک همین ویژگی است که نوعی پویایی و تلفیقی از دیدگاه‌های نظری و یافته‌های کاربردی را به هم پیوند می‌زند. تلفسون (۲۰۰۶: ۴۳-۴۲) در تبیین و جمع‌بندی معانی اصطلاح انتقادی در دیدگاه پنی‌کوک، به سه مورد اشاره می‌کند: الف. مراد از انتقادی، نقد رویکردهای سنتی و رایج است و دلیل اصلی آن، تأکید این دسته از رویکردها به بررسی و تحلیل غیرسیاسی موضوعات و داشتن نگاه صرفاً فنی است؛ ب. دیگر معنای این مفهوم در این رویکرد، ناظر به تغییر اجتماعی است. در این رویکرد، زبان‌شناسی کاربردی باید در مسیر اصلاح امور و رفع نابرابری‌ها گام بردارد و از نوعی پاسخ‌گویی برخوردار باشد؛ ج. معنای سوم این مفهوم، تأثیرپذیری آن از نظریه انتقادی^۲ است؛ نظریه‌ای که در ادامه همین مقاله معرفی می‌شود.

۲-۱-۳. روابط خرد و کلان

از جمله ویژگی‌های قابل توجه در این رویکرد، تلاش آن برای پیوند دادن روابط خرد موجود در زبان‌شناسی کاربردی با روابط کلان در جامعه است. به اعتقاد پنی‌کوک (۱۹۹۴) از جمله

1. Self-Reflexivity
2. Dean
3. Critical Theory



محدودیت‌های مطرح در حوزه زبان‌شناسی کاربردی، گرایش آن به نوعی بافت‌زدایی^۱ است، به این معنا که عمدتاً خود را به بافت زبانی محدود می‌کند و این درحالی است که در زبان‌شناسی کاربردی انتقادی، برقرار کردن ارتباط بین زبان‌شناسی کاربردی با حوزه‌های گسترده‌تر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی یک ضرورت است (پنی‌کوک، ۲۰۰۱: ۵). از منظر این رویکرد، در هرگونه بررسی شاخه‌های زبان‌شناسی کاربردی، مفاهیمی چون جامعه، ایدئولوژی، سرمایه‌داری جهانی، استعمار، آموزش، جنسیت، نژادگرایی، طبقه اجتماعی، ترجمه، ژانر، رسانه، یادگیری زبان دوم و... اهمیت بسزایی دارد؛ از این رو پنی‌کوک به صراحت این نکته را یادآوری می‌کند که زبان‌شناسی کاربردی انتقادی، خواه به عنوان نقدی بر زبان‌شناسی کاربردی رایج و غالب، خواه به عنوان گونه‌ای از تحلیل انتقادی متن، خواه رویکردی برای درک سیاست ترجمه و یا تلاش برای درک پیامدهای گسترش جهانی زبان انگلیسی، همواره بر این موضوع تأکید می‌کند که چگونه روابط خرد، همچون کلاس درس، متن، گفتگو و... به روابط کلان‌تر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی پیوند می‌خورد؛ پیوندهایی که صرفاً به روابط خرد خلاصه نشده و در چشم‌اندازی اجتماعی و تاریخی به مسائلی کلان چون دسترسی، قدرت، اختلاف، مقاومت و... اهمیت می‌دهد.

۴-۱-۲. پیوند دوسویه نظریه و کاربرد^۲

از جمله موضوعات مطرح در زبان‌شناسی کاربردی، جایگاه نظریه و کاربرد^۳ و نحوه جهت‌گیری آن است. درحالی‌که در برخی از حوزه‌ها و آثار، جهت‌گیری یک‌سویه نظریه به کاربرد و یا کاربرد به نظریه مطرح است (دیویس، ۱۹۹۹؛ پنی‌کوک، ۲۰۰۱)، از دیدگاه زبان‌شناسی کاربردی انتقادی، همواره نوعی رابطه یا پیوند دوسویه بین نظریه و کاربرد متصور است که این جهت‌گیری ایده‌ها، علایق و کاربردها به عنوان پیوند دوسویه نظریه و کاربرد شناخته می‌شود (سیمون^۴، ۱۹۹۲؛ پنی‌کوک، ۲۰۰۱). از همین رو، پنی‌کوک با تأکید بر جایگاه این نوع جهت‌گیری، بر اهمیت داده‌ها و شواهد بیرونی در کنار مفروضات و مبانی نظری تأکید خاصی دارد. به بیان روشن‌تر، در این رویکرد بر اساس یافته‌های بیرونی به تأیید و رد دیدگاه‌های نظری، و بر پایه یافته‌های بیرونی به تدوین و ارائه دیدگاه‌های نظری می‌پردازیم. این نوع تأکید در مبانی پساساختارگرایی ذیل پیوند ذهنیت و عینیت^۵ از اهمیت خاصی برخوردار است.

1. Decontextualization
2. Praxis
3. Theory & Practice
4. Simon
5. Subjectivity & Objectivity

نظریه انتقادی یا آنچه با عنوان مکتب فرانکفورت^۱ شهرت یافته است، نقش مهمی در دیدگاه‌های پنی‌کوک داشته است. این نظریه که ریشه در آرا و اندیشه‌های آدورنو^۲، هورکهایمر^۳، مارکوزه^۴، هابرماس^۵ و... دارد، با نقد اندیشه‌های مارکسیستی حاکم، نقد جامعه نوین و مهم‌تراز همه نقد اندیشه‌های اثبات‌گرایی همراه بوده است. این نظریه با رد دوا دعای حاکم براندیشه اثبات‌گرایی، یعنی قابل کاربرد بودن یک روش علمی در همه رشته‌های علمی و دیگری بی‌طرفی ذاتی دانش، توجه زبان‌شناسی کاربردی انتقادی را به خود جلب کرده است. تأثیرپذیری زبان‌شناسی کاربردی رایج یا متعارف از اندیشه‌های اثبات‌گرایی، سبب شده است که مورد نقد این رویکرد انتقادی قرار گیرد.

۲-۱-۶. چالش در مبانی و مفروضات^۶

آنچه جایگاهی ویژه به این رویکرد در پژوهش‌های زبان‌شناختی بخشیده است، به روش مواجهه آن در سنجش و ارزشیابی حوزه‌ها و رویکردهای رایج در عرصه زبان‌شناسی کاربردی، یعنی بدیهی نپنداشتن مبانی، اصول، ادعاها و مفروضات بازمی‌گردد که البته همان‌گونه که اشاره شد، این به چالش کشیدن صرفاً به مبانی و مفروضات رویکردهای غالب و حاکم خلاصه نشده و مبانی و مفروضات دیگر رویکردها، ولو انتقادی را هم دربرمی‌گیرد. به استناد کاناگاراچا و سعید (۲۰۱۲) اساساً هرگاه این دسته از مبانی و مفروضات که ریشه در نگرش و ایدئولوژی حامیان آن دارد، در قالب واژه‌ها ریخته و منتشر شود، گفتمان^۷ ایجاد می‌شود. به بیان روشن‌تر، در سنجش شاخه‌ها و رویکردهای مورد بحث، در واقع گفتمان‌ها به چالش کشیده می‌شوند تا برپایه مبانی نظری و یافته‌های تجربی ارزیابی گردند.

۲-۱-۷. آینده‌های مطلوب^۸

در حالی که به رویکردهای انتقادی این نقد وارد است که صرفاً به وضع موجود انتقاد می‌کنند

1. Frankfurt School
2. Adorno
3. Horkheimer
4. Marcuse
5. Habermas
6. Problematizing Givens and Assumptions
7. Discourse
8. Preferred Futures



و بنابراین یا از ارائه راه حل مطلوب عاجز یا غافلند، و یا آینده‌ای آرمان‌گرایانه را ترسیم می‌کنند، زبان‌شناسی کاربردی انتقادی با تأکید بر مؤلفه تحول، تأکید می‌کند که در نقد هر شاخه‌ای از زبان‌شناسی کاربردی، باید کلیه گزینه‌های موجود را معرفی، و در چارچوب اصول اخلاقی، بر پایه دو مؤلفه امید و امکان^۱، گزینه مطلوب را انتخاب و معرفی کرد. به بیانی روشن‌تر، علاوه بر پرهیز از این ضعف حاکم بر رویکردهای انتقادی، و نیز جدای از به چالش کشیدن گزینه‌های موجود، با بررسی گزینه‌های ممکن بر غنای گزینه‌های ممکن می‌افزاید (پنی‌کوک، ۲۰۰۱: ۹).

۳. حوزه‌ها

اگرچه در تصویر نخستین این رویکرد، شاهد ارائه چهار حوزه پیشنهادی بودیم، در تصویر کنونی آن شاهد شش حوزه به این شرح هستیم؛ البته بنا بر ماهیت پویای مورد ادعای مبدع آن، این حوزه‌ها به این موارد خلاصه نمی‌شوند: ۱. تحلیل گفتمان انتقادی و سواد انتقادی^۲؛ ۲. رویکردهای انتقادی به ترجمه^۳؛ ۳. رویکردهای انتقادی به آموزش زبان^۴؛ ۴. رویکردهای انتقادی به آزمون‌سازی زبان^۵؛ ۵. رویکردهای انتقادی به برنامه‌ریزی زبانی و حقوق زبان‌ها^۶؛ ۶. رویکردهای انتقادی به زبان، سواد و محیط کار^۷؛

انگاره‌های این رویکرد بر اساس نظریه پنی‌کوک (۲۰۰۱: ۲۰) به این شرح است:

جدول ۱. حوزه‌ها و علایق زبان‌شناسی کاربردی انتقادی

علاقه	حوزه‌ها
- گونه قوی زبان‌شناسی کاربردی - مفهوم انتقادی - روابط خرد و کلان - نظریه انتقادی - پیوند دوسویه نظریه و کاربرد - آینده‌های مطلوب	- تحلیل گفتمان انتقادی و سواد انتقادی - رویکردهای انتقادی به ترجمه - رویکردهای انتقادی به آموزش زبان - رویکردهای انتقادی به آزمون‌سازی - رویکردهای انتقادی به برنامه‌ریزی زبانی و حقوق زبان‌ها - رویکردهای انتقادی به زبان، سواد و محیط کار

1. Hope & Possibility
2. Critical Discourse Analysis & Critical Literacy
3. Critical Approaches to Translation
4. Critical Approaches to Language Education
5. Critical Approaches to Language Testing
6. Critical Approaches to Language Policy and Planning and Language Rights
7. Critical Approaches to Language, Literacy and Workplace Settings

۴. کاربردها

در این بخش با هدف نشان دادن زمینه‌های کاربردی این رویکرد و ابعاد میان‌رشته‌ای آن به شماری از کاربردهای پژوهشی آن در سنجش و ارزیابی شاخه‌هایی میان‌رشته‌ای در حوزه زبان‌شناسی کاربردی پرداخته شده است.

۴-۱. آموزش زبان انگلیسی

اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ را می‌توان را سرآغاز ظهور اندیشه‌های انتقادی در عرصه آموزش زبان انگلیسی دانست. بر اساس دیدگاه پنی‌کوک (۱۹۸۹) شیوه‌ها و رویکردهای آموزش زبان انگلیسی نه تنها خنثی نیستند، بلکه انعکاس‌دهنده ایدئولوژی و نگرشی خاص هستند؛ و طبق نگرش اندرسون (۲۰۰۳)، طرح دیدگاه امپریالیسم زبان انگلیسی در سال ۱۹۹۲ و انتشار آثار پس از آن همچون هالیدی (۱۹۹۴) و کاناگاراچا (۱۹۹۹) به نوعی چرخش انتقادی^۱ (کوک، ۲۰۰۵) در عرصه آموزش زبان انگلیسی دامن زد؛ چرخشی که از سویی به استناد نظر جانستون (۲۰۰۳) ابعاد سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیکی آموزش این زبان را هویدا ساخته و از سویی دیگر به استناد دیدگاه اندرسون (۲۰۰۳) اصول، مبانی و مفروضات جریان حاکم بر حرفه آموزش زبان انگلیسی، یعنی رویکرد موسوم به لیبرالی را به چالش کشیده است.

حال با توجه به اهمیت و جایگاه این شاخه برجسته، در چارچوب رویکرد زبان‌شناسی کاربردی انتقادی به سنجش و نقد آن می‌پردازیم. البته با توجه به گستردگی این حوزه به مثابه مهم‌ترین شاخه زبان‌شناسی کاربردی (کاپلان، ۲۰۰۴؛ زندی، ۱۳۹۳) تنها به معرفی و سنجش برخی از اصول، مبانی و مفروضات دورویکرد لیبرالی و انتقادی در سه بخش الف) روش‌ها و رویکردها؛ ب) منابع و مواد درسی و ج) مدرسان، بسنده می‌شود. با هدف نشان دادن نحوه بهره‌جویی از این رویکرد میان‌رشته‌ای سنجش‌گر، مراحل آن به شکل زیر قابل طرح است.

ابتدا مبانی و مفروضات و یا همان گفتمان‌های مربوط به رویکردهای مطرح، خواه متعلق به جریان غالب و خواه جریان انتقادی از آثار مکتوب استخراج شده و در تقابل با یکدیگر قرار داده می‌شوند. بررسی مهم‌ترین بخش‌های قابل سنجش در حوزه آموزش زبان انگلیسی را می‌توان در گفتمانی موسوم به بومی‌گرایی^۲ خلاصه کرد؛ گفتمانی که در دو دهه اخیر حجم گسترده‌ای از مباحث و مجادله‌ها را به خود اختصاص داده است. طبق نظر هالیدی (۲۰۰۶) با وجود نقدها

1. Critical Turn

2. Native-Speakerism





و بحث‌های متعدد درباره این مفهوم، کماکان این گفتمان در حوزه آموزش زبان انگلیسی غلبه دارد. از منظر رویکرد غالب، مهم‌ترین مبانی و مفروضات به این نحو قابل طرح هستند: ۱. بهترین شیوه‌ها و رویکردهای آموزش این زبان، شیوه‌ها و رویکردهای طراحی شده در جوامع انگلیسی‌زبان موسوم به مرکز است؛ ۲. بهترین مواد و منابع آموزشی، مواد و منابع آموزشی تهیه و تدوین شده در جوامع انگلیسی‌زبان است؛ ۳. مدرس ایده‌آل زبان انگلیسی، مدرس بومی این زبان است. در برابر این مبانی، از منظر رویکرد انتقادی با توجه به تغییر کارکرد و شمار و توزیع جغرافیایی کاربران زبان انگلیسی، این گفتمان با نقدهایی جدی همراه است. مبانی و مفروضات رویکرد انتقادی عبارتند از: ۱. بهترین شیوه‌ها و رویکردهای آموزش این زبان، لزوماً شیوه‌ها و رویکردهای طراحی شده در جوامع انگلیسی‌زبان نیست؛ ۲. بهترین مواد و منابع آموزشی، مواد و منابع آموزشی تهیه و تدوین شده در جوامع انگلیسی‌زبان نیست؛ ۳. مدرس ایده‌آل زبان انگلیسی، لزوماً مدرس بومی این زبان نیست، بلکه می‌تواند یک مدرس دوزبانه و چندفرهنگی باشد.

حال برای سنجش این دسته از مبانی و مفروضات در چارچوب رویکرد زبان‌شناسی کاربردی انتقادی به مؤلفه‌هایی که اساس این تقابل‌ها را حاصل آورده‌اند هم از بعد نظری و هم تجربی پرداخته می‌شود. به عنوان نمونه در مورد منابع درسی، «تناسب موضوعی»، «بار فرهنگی» و «نیاز فراگیران» از اهمیت کلیدی برخوردار است. به استناد نظر گری^۲ (۲۰۱۳) ادعای منابع و مواد آموزشی تدوین شده در جوامع مرکز همانا تناسب موضوعی و فرهنگی آنها برای همه جوامع است؛ ادعایی که رد و یا تأیید آن علاوه بر توسل به مبانی نظری، به طور خاص، نیازمند بهره‌گیری از داده‌های تجربی از جوامع مصرف‌کننده است؛ داده‌هایی که نیازمند ارزیابی انتقادی این مواد درسی و نیز نگرش‌سنجی از فعالان و افراد دخیل در روند آموزش، از جمله فراگیران، مدرسان، برنامه‌ریزان و والدین است. در مورد نیاز فراگیران نیز در چارچوب رویکرد یادشده، بهره‌گیری از نوعی روش نیازسنجی لازم است که نیازسنجی انتقادی^۳ نامیده می‌شود (بنش^۴، ۱۹۹۶).

در این رویکرد، برای پرهیز از هرگونه سوگیری، کلیه گزینه‌های ممکن و محتمل ارائه و ارزشیابی می‌شوند. از این رو، مثلاً درباره مقوله فرهنگ در آموزش زبان انگلیسی در رویکرد غالب با دو حالت نخست و در رویکرد انتقادی دست‌کم با یک حالت روبرو هستیم: ۱. بی‌توجهی به

1. Center
2. Gray
3. Critical Needs Analysis
4. Benesch

مؤلفه فرهنگ و یا به تعبیری وجود نوعی پوشیدگی عامدانه در این دسته از آثار نسبت به این مؤلفه به ویژه در مورد پیامدهای فرهنگی گسترش زبان انگلیسی؛^۲ حالت دوم ضمن تجلیل صریح یا ضمنی از فرهنگ جوامع انگلیسی زبان در کنار خود زبان، نه تنها گسترش زبان انگلیسی را آسیبی برای دیگر فرهنگ‌ها نمی‌داند، بلکه به ویژه در بعد آموزشی، به صراحت و یا به طور ضمنی در چارچوب نگاه بومی‌گرایی حاکم، فراگیری زبان انگلیسی را همراه با فراگیری فرهنگ آن ضروری می‌داند. در این نگاه، عجین شدن زبان و فرهنگ انگلیسی سبب شده است که آموزش فرهنگ جوامع انگلیسی زبان ضروری و در مقایسه با دیگر جوامع، به نحوی برجسته و متعالی معرفی شود؛^۳ در مقابل، رویکرد انتقادی با تأکید بر تغییر نقش و کاربرد زبان انگلیسی و نیز نیازهای پیش‌روی فراگیران، فرهنگ مرکز‌محور را صورت ایده‌آل نمی‌داند و پیشنهادهایی در مورد استفاده از فرهنگ جوامع فراگیران و یا تأکید بر توانش بینا فرهنگی^۱ ارائه می‌دهد.

حال با توجه به طرح این دسته از موارد و مروری بر گفتمان‌شناسی و یا همان مبانی و ادعاها درباره مقوله فرهنگ، مفروضات شاخص در دو رویکرد در قالب پرسش‌های زیر قابل طرح است:

۱. آیا می‌توان در حوزه آموزش زبان انگلیسی به مقوله فرهنگ بی‌اعتنا بود؟^۲ آیا آموزش زبان انگلیسی با پیامد گسترش فرهنگ این زبان همراه بوده است؟^۳ آیا فرهنگ‌ها می‌توانند در کنار گسترش آموزش زبان انگلیسی مصون بمانند؟^۴ آیا در لوای گفتمان بومی‌گرایی در حوزه آموزش زبان انگلیسی، صرفاً باید فرهنگ جوامع انگلیسی زبان آموزش داده شود؟ به بیان روشن‌تر، آیا کسب توانش زبانی الزاماً در گرو کسب توانش فرهنگی مرکز‌محور است؟^۵ آیا فراگیری زبان انگلیسی و در کنار آن فرهنگ جوامع مرکز تأمین‌کننده نیازهای فراگیران زبان انگلیسی در دنیای امروز است؟^۶ آیا نحوه ارائه محتوای فرهنگی در کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی که در گفتمان غالب، کتاب‌هایی مناسب برای همه جوامع معرفی می‌شوند. برای همه جوامع و از آن جمله جامعه‌ای چون ایران مناسب هستند؟

پس از طرح چنین حالت‌هایی است که با تکیه بر مبانی نظری مرتبط و نیز یافته‌های تجربی حاصل از پژوهش‌های داخلی و خارجی، درصدد پاسخ به چنین مواردی که خود بخشی از پیش‌نیازهای تهیه و تدوین برنامه درسی^۲ آموزش زبان انگلیسی در هر جامعه‌ای هستند، برمی‌آییم.

1. Intercultural Competence
2. Curriculum Development



۵. سیاست و برنامه‌ریزی زبانی

یکی دیگر از شاخه‌های شاخص در حوزه زبان‌شناسی کاربردی که در دنیای امروز از اهمیت روبه‌گسترشی برخوردار است و خود ماهیت میان‌رشته‌ای دارد، مقوله سیاست و برنامه‌ریزی زبانی است (ریسن‌تو، ۲۰۰۵). گرچه رویکرد زبان‌شناسی کاربردی انتقادی الگویی برای بررسی و نقد مقوله سیاست و برنامه‌ریزی زبانی برای زبان‌های مختلف را فراهم آورده است، اما مقوله گسترش زبان انگلیسی و نقش سیاست زبانی جوامع در قبال آن و نیز تدوین سیاست زبانی در مورد نحوه مواجهه با این زبان از اهمیت خاصی برخوردار است. با توجه به اهمیت و تناسب این موضوع با جامعه ایران (احمدی پور، ۱۳۸۷؛ آقاگل‌زاده و داوری، ۱۳۹۳) کلیات آن در چارچوب رویکرد زبان‌شناسی کاربردی انتقادی به‌اجمال بررسی و سنجش شده و علاوه بر معرفی چارچوب‌های مطرح در این باره، حالت‌های محتمل و ممکن نیز برای هرگونه پژوهشی در آینده معرفی می‌شود. ابتدا بر پایه پژوهش‌های موجود و به‌طور خاص آثار پنی‌کوک (۱۹۹۹ و ۲۰۰۱) حالت‌های گوناگون گسترش زبان انگلیسی در دو قالب رویکرد غالب و انتقادی به‌این‌نحو قابل طرح است. سه رویکرد لیبرالی مطرح عبارتند از:

یادبود استعماری: بر پایه این دیدگاه، انگلیسی‌زبانی ذاتاً سودمند و آموزش آن رسالتی جهانی است. معرفی این زبان به‌عنوان زبانی عالی و شکوهمند هم از لحاظ ماهیت و هم کارایی ویژگی بارز این دیدگاه است. تجلیل از این زبان، تاریخ و ویژگی‌های دستوری و واژگان آن از جمله مشخصه‌های این رویکرد، و هانی^۳ (۱۹۹۷) نمونه شاخص این نوع جهت‌گیری است.

امروزی شدن: تأکید بر نیاز به زبان انگلیسی به‌منظور دستیابی به علم، ارتباطات، اینترنت و دیگر اشکال فناوری از ویژگی‌های این جهت‌گیری است. معرفی زبان انگلیسی به‌عنوان زبان پیشرفت و رد آثار و آسیب‌های زبانی و فرهنگی آن از ویژگی‌های بارز آن است. این دیدگاه به‌طور خاص در محیط‌های علمی و آموزشی و به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه پرنسنگ‌تراست که آثار متعدد گردول (۱۹۹۷، ۲۰۰۶، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۳) را می‌توان نمونه برجسته این نگاه برشمرد.

لیبرالیسم آزادی عمل: زبان انگلیسی ابزاری کارآمد با اهداف کاربردی است. این زبان



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۴۲

دوره هفتم
شماره ۴
پاییز ۱۳۹۴

1. Ricento
2. Colonial Celebrity
3. Honey
4. Modernization
5. Laissez-Faire

باید به هر کسی که خواهان آن است، آموزش داده شود. این دیدگاه هم‌زمان به دو موضوع مهم می‌پردازد: الف) درک و تفاهم متقابل در عرصه جهانی که در این ویژگی کم‌وبیش همانند دیدگاه دوم است؛ و ب) هویت تاریخی که بر حفظ زبان مادری تأکید می‌کند. کریستال (۱۹۹۷) را می‌توان برجسته‌ترین شخصیت در این جهت‌گیری برشمرد که زبان انگلیسی را زبانی خنثی و نافع همگان برمی‌شمارد. وی شرایط ایده‌آل در دنیای حاضر را توانایی تکلم همه افراد به زبان انگلیسی در کنار زبان و فرهنگ بومی‌شان می‌داند. از دیدگاه وی کشورهای حوزه اسکاندیناوی نمونه شاخص این ویژگی هستند. این دیدگاه به باور پنی‌کوک (۲۰۰۱) برجسته‌ترین دیدگاه لیبرالی است. در مقابل، شاخص‌ترین جهت‌گیری‌های انتقادی عبارتند از:

امپریالیسم زبانی: این دیدگاه که با نام فیلیپسون^۲ (۱۹۹۲) عجزین شده است، نخستین تلاش تحلیلی با بن‌مایه‌های انتقادی در بررسی و کشف چرایی، چگونگی و پیامدهای گسترش زبان انگلیسی محسوب می‌شود که به نحوی در تقابل با سه جهت‌گیری رویکرد غالب است.

بوم‌شناسی زبان و حقوق زبانی:^۳ این دیدگاه که عمدتاً با نام اسکوت‌تاب کانگاس (۱۹۸۸) و (۱۹۹۸) شناخته می‌شود، به حقوق برابر زبان‌ها تأکید دارد. در این دیدگاه، گسترش زبان انگلیسی تهدیدی برای بوم‌شناسی زبان‌های محلی و ضعیف معرفی می‌شود. در این جهت‌گیری، تسودا (۲۰۰۲ و ۲۰۰۸) نیز با تأکید بر مسئله حقوق زبان‌ها و بوم‌شناسی زبانی رویکردی خاص به مقوله هژمونی زبان انگلیسی^۴ دارد.

کارایی پسااستعماری:^۵ پنی‌کوک به عنوان مبدع این دیدگاه با تأیید کلیت دیدگاه امپریالیسم زبانی، بر این نکته تأکید می‌کند که مقوله تصاحب یا متناسب‌سازی زبانی زبان انگلیسی از سوی جوامع حاشیه با هدف نیل به مقاصدشان نباید در بررسی گسترش این زبان نادیده گرفته شود. وی در این دیدگاه با مهم برشمردن بافت^۶، با پیچیده توصیف کردن دنیای نوظهور پسااستعماری بر این نکته تأکید می‌کند که شرایط حاضر را نباید در نظریه‌هایی ساده‌انگارانه دنبال کرد، به نحوی که همه رویدادها را صرفاً نتیجه گریزناپذیر پدیده نوظهور جهانی شدن^۷ بدانیم. در این

1. Linguistic Imperialism
2. Phillipson
3. Language Ecology and Language Rights
4. Hegemony of English
5. Postcolonial Performativity
6. Context
7. Globalization



پژوهش، به فراخور موضوع از این رویکرد در نقد و بررسی جهت‌گیری‌های لیبرالی و نیز دیدگاه امپریالیسم زبانی بهره گرفته می‌شود. در ادامه سه گفتمان شاخص و نیز مبانی و مفروض‌های مرتبط با آنها ارائه و به اجمال معرفی می‌شوند.

۵-۱. گفتمان خنثی‌گرایی

پنی کوک (۱۹۹۴) نقطه مشترک جهت‌گیری‌های رایج در رویکرد غالب یا لیبرالی را معرفی گسترش زبان انگلیسی به مثابه پدیده‌ای خنثی، طبیعی و صرفاً سودمند برمی‌شمارد. اما از جمله دیگر ادعاهای این گفتمان که آن را به مثابه یک ویژگی ستایش‌آمیز برای این زبان برمی‌شمارد، حیات دیگر زبان‌ها در کنار گسترش زبان انگلیسی است (هانس، ۱۹۹۷). در اینجا مراد از گفتمان خنثی‌گرایی عمدتاً ناظر بر این دسته از مبانی و مفروضات است: ۱. نگاه به زبان انگلیسی و آموزش آن باید فارغ از هرگونه نگاه سیاسی و صرفاً به عنوان یک زبان ارتباطی و نیز به مثابه فعالیتی صرفاً آموزشی و فنی باشد؛ ۲. عدم پیوند زبان انگلیسی با ایدئولوژی و فرهنگی خاص، سبب شده است که گسترش این زبان آسیبی به حیات زبانی و فرهنگی دیگر زبان‌ها و فرهنگ‌ها وارد نسازد. در برابر این مبانی، از دیدگاه رویکرد انتقادی، خنثی‌گرایی موضوعیت ندارد و به ویژه به دلیل قدرت ساختاری این زبان و توانایی‌های جوامع مرکز در عصر حاضر، شاهد تأکید بر این مبانی و مفروضات هستیم؛ ۱. زبان انگلیسی نه صرفاً زبانی ارتباطی و آموزش آن نه فعالیتی صرفاً آموزشی و فنی، بلکه فعالیتی عمیقاً سیاسی است؛ ۲. پیوند زبان انگلیسی با ایدئولوژی و فرهنگی خاص و نیز بهره‌جویی آن از قدرتی ساختاری، گسترش آن را به تهدیدی علیه دیگر زبان‌ها و فرهنگ‌ها تبدیل کرده است.

۵-۲. گفتمان جهان‌گرایی طبیعی

از جمله مهم‌ترین گفتمان‌های حاکم بر گسترش زبان انگلیسی، گسترش جهانی آن در بستری طبیعی و فارغ از تلاش‌ها و برنامه‌های هدفمند جوامع انگلیسی‌زبان است. همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، کریستال (۱۹۹۷) به صراحت این گسترش را نوعی خوش‌اقبال برای این زبان برمی‌شمارد که در بستری مناسب و در پی قدرت یافتن اقتصادی و نظامی جوامع انگلیسی‌زبان به ویژه در نیمه دوم قرن بیستم، چنین گسترشی را تجربه کرده است. مبانی اصلی این گفتمان عبارتند از: ۱. گسترش زبان انگلیسی فارغ از هرگونه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی هدفمندانه جوامع مرکز، در بستری طبیعی رخ داده است؛ ۲. جریان گسترش زبان انگلیسی عمدتاً محصول نیاز و خواست جوامع غیرانگلیسی‌زبان بوده است.



اما در مقابل این ادعا، رویکرد انتقادی نگاهی کاملاً متفاوت دارد. ادعای این رویکرد به این شرح است: ۱. گسترش زبان انگلیسی از جمله اهداف جوامع مرکز است که تا حد قابل توجهی محصول سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی زبانی این جوامع بوده است؛ ۲. جریان گسترش زبان انگلیسی عمدتاً محصول نوعی انتقال یک سویه از جوامع مرکز به حاشیه است.

۳-۵. گفتمان پیشرفت یا ابزارگرایی

این گفتمان که گاهی به عنوان گفتمان امروزی شدن نیز شناخته می‌شود، به ویژه در عصر حاضر با معرفی زبان انگلیسی به عنوان زبان علم، فناوری، دیپلماسی، اقتصاد و... رابطه‌ای مستقیم بین این زبان با پیشرفت و توسعه جوامع مختلف ترسیم کرده است. مهم‌ترین ادعای رویکرد لیبرالی این است که گسترش زبان انگلیسی در هر جامعه‌ای از جمله لوازم و ضامن پیشرفت اقتصادی و علمی است. در برابر این ادعا، رویکرد انتقادی به چنین رابطه مستقیمی قائل نیست. پاسخ این رویکرد این است که رابطه مستقیمی بین گسترش زبان انگلیسی و پیشرفت جوامع وجود ندارد. به منظور سنجش این دسته از مبانی و مفروضات در چارچوب رویکرد زبان‌شناسی کاربردی انتقادی به مؤلفه‌هایی که اساس این تقابل‌ها را ایجاد کرده‌اند، می‌پردازیم و بر پایه گفتمان‌های مورد بحث، به دو موضوع مهم، یعنی «ماهیت و عوامل گسترش» و «پیامدهای زبانی» اشاره خواهیم کرد. در مورد ماهیت و عوامل گسترش و یا همان چرایی و چگونگی گسترش زبان انگلیسی که می‌توان آن را اوج نزاع دورویکرد غالب و انتقادی برشمرد، در آثار متعلق به این دو رویکرد با چنین حالت‌هایی روبرو هستیم: ۱. عدم توجه نسبی رویکرد غالب به ماهیت، فرایندها و عوامل گسترش این زبان که به نحوی می‌توان در ویژگی پوشیدگی مفهوم هژمونی زبانی جست و یا در سطحی آشکارتر، معرفی ضمنی و یا صریح گسترش این زبان با نوعی خوش اقبالی و در بستر طبیعی رویدادها و تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی؛ ۲. تمایل و خواست جوامع غیرانگلیسی‌زبان برای فراگیری زبان و فرهنگ انگلیسی در عصر جهانی شدن که این نگاه برخلاف نگاه رویکرد انتقادی مبنی بر گسترش هدفمند زبان انگلیسی از مرکز به حاشیه است. از دیدگاه رویکرد غالب، تأکید رویکرد انتقادی بر نقش دولت‌ها و نهادهای مرکز محور، نمادی از توهم توطئه است و تلاش‌ها از سوی جوامع مرکز در گسترش زبان انگلیسی جنبه انسان‌دوستانه دارد. حال با توجه به طرح این مبانی و ادعاها درباره مقوله چرایی و چگونگی گسترش زبان انگلیسی، با در نظر گرفتن رویکرد زبان‌شناسی کاربردی انتقادی، مفروضات شاخص در دو رویکرد در قالب دست‌کم هفت پرسش این‌گونه قابل طرح است:





۱. آیا روند گسترش زبان انگلیسی صرفاً حاصل نوعی خوش اقبالی و یا پیامد تغییر و تحولات جهانی به ویژه در نیمه دوم قرن بیستم بوده است؟؛ ۲. آیا گسترش زبان انگلیسی را می توان بخشی از سیاست و برنامه ریزی هوشمندانه، هدفمند و عامدانه جوامع مرکز و یا به تعبیری مؤلفه ای از سیاست خارجی و نتیجه نقش آفرینی نهادها و سازمان های متعلق به جوامع مرکز دانست؟؛ ۳. آیا نگرش رویکرد انتقادی به پدیده گسترش زبان انگلیسی، ریشه در بدبینی یا همان توهم توطئه دارد و یا اینکه نگرش لیبرالی ساده انگارانه و تهی از ملاحظات چندگانه و پیچیده دنیای جدید است؟؛ ۴. آیا طرح های یاریگر انسان دوستانه در راستای گسترش زبان انگلیسی با منافع سیاسی و اقتصادی جوامع مرکز گره خورده است؟؛ ۵. گسترش جهانی زبان انگلیسی اساساً ممکن است چه سودی برای جوامع مرکز داشته باشد؟؛ ۶. آیا جریان گسترش زبان انگلیسی جریانی یک سویه از مرکز به حاشیه بوده است؟؛ ۷. آیا جامعه ایران نیز مستقیم و یا غیرمستقیم متأثر از چنین سیاست گذاری و برنامه ریزی های ادعایی درباره گسترش زبان انگلیسی بوده است؟

در مورد موضوع پیامدهای زبانی گسترش زبان انگلیسی و نحوه برنامه ریزی درباره آن، موضوع پیامدهای زبانی گسترش زبان انگلیسی موضوعی مهم است که از دیدگاه های مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. جدای از آثار عمدتاً توصیفی که اغلب از منظر زبان شناختی به بررسی نتایج شکل گیری گونه های مختلف انگلیسی در نتیجه گسترش این زبان پرداخته اند (ولف و پولزن هاگن^۱، ۲۰۰۹) بررسی پیامدهای آن بر زبان های دیگر موضوعی بوده که به طور خاص پس از طرح دیدگاه امپریالیسم زبانی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. از این رو، بررسی نحوه مواجهه دورویکرد لیبرالی و انتقادی درباره این موضوع بسیار مهم و تأثیرگذار است. در مورد مواجهه با این مقوله با این حالت ها روبرو هستیم:

۱. نظربه نابرابری های ساختاری و ایدئولوژیکی بین زبان انگلیسی و دیگر زبان ها، گسترش این زبان با تضعیف و به حاشیه رفتن دیگر زبان ها همراه خواهد شد. این نگرش تا آنجا پیش می رود حتی در جهت گیری حقوق زبان ها، این زبان به عنوان زبان قاتل^۲ (اسکوتناب کانگاس، ۲۰۰۰؛ پرایس^۴، ۱۹۸۴) شناخته می شود؛ ۲. دیگر زبان ها می توانند در کنار زبان انگلیسی به حیات خود ادامه دهند. با ورود این زبان به یک جامعه هر زبانی نقش خاص خود را پیدا می کند و

1. Aid Projects/ Aid Development Projects
2. Wolf and Polzen Hagen
3. Killer Language
4. Price

براساس توانایی‌های ذاتی و کاربردی در حوزه‌ای خاص مثلاً آموزش، مذهب، خانواده و... نقش و جایگاه خود را می‌یابد. حال با توجه به طرح این مبانی و ادعاها درباره پیامدهای گسترش زبان انگلیسی، مفروضات شاخص در دو رویکرد در قالب پرسش‌هایی از این دست قابل طرح هستند:

۱. آیا پیامدهای گسترش زبان انگلیسی صرفاً محدود به حوزه‌های واژگانی، صرفی و نحوی است؟؛ ۲. آیا زبان انگلیسی می‌تواند به مثابه زبان قاتل در گستره جهانی شناخته شود؟؛ ۳. آیا زبان‌های دیگری می‌توانند در کنار حضور زبان انگلیسی در حوزه‌های مختلف به حیات خود ادامه دهند؟؛ ۴. پیامدهای گفتمانی گسترش مرکز محور زبان انگلیسی بر زبان‌های دیگر چیست؟

پس از طرح چنین حالت‌هایی است که با بهره‌گیری از مبانی نظری مرتبط و نیز یافته‌های تجربی حاصل از پژوهش‌های داخلی و خارجی در صدد پاسخ به چنین مواردی برمی‌آییم. نظر به ماهیت میان‌رشته‌ای این رویکرد سنجش‌گرو نیز موضوع سیاست و برنامه‌ریزی زبانی به عنوان موضوعی میان‌رشته‌ای، در راستای سنجش آن، ضرورت توسل به مبانی نظری در کنار یافته‌های تجربی حاصل از پژوهش‌ها در رشته‌های مختلف مرتبط یک ضرورت گریزناپذیر است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله ماهیت، ابعاد، حوزه‌ها و علایق رویکرد نوظهور زبان‌شناسی کاربردی انتقادی به عنوان یک رویکرد میان‌رشته‌ای و سنجش‌گرو توصیف و تبیین شد. همچنین با هدف نشان دادن میزان کارآمدی آن و همچنین به تصویر کشیدن روند بهره‌جویی گام‌به‌گام از آن در ارزیابی و سنجش شاخه‌های مختلف زبان‌شناسی کاربردی برای نمونه دو حوزه آموزش زبان انگلیسی و سیاست و برنامه‌ریزی این زبان با تأکید بر مقوله گسترش آن معرفی شد. واضح است که امکان سنجش حالت‌ها و گونه‌های مختلف این دو شاخه معرفی شده نیازمند مجال بسیار بیشتر است که نه تنها در این مجال نمی‌گنجد، بلکه از دامنه موضوع این مقاله فراتر است.

با توجه به گسترش مطالعات در حوزه زبان‌شناسی کاربردی در سال‌های اخیر از یک سو و نیز اقبال به رویکردهای میان‌رشته‌ای به‌ویژه رویکردهای انتقادی، بهره‌جویی از این رویکرد می‌تواند به مطالعات مختلف در حوزه زبان‌شناسی کاربردی و تبیین و نقد آنها غنای بیشتری ببخشد. مراجعه به یافته‌های پژوهش حاضر در مورد دو حوزه آموزش زبان انگلیسی و سیاست و برنامه‌ریزی زبانی و ارائه گونه‌های مختلف در راستای بررسی و سنجش ادعاها و مبانی مطرح، خود شاهدی بر این مدعا است.



بی‌تردید در چارچوب این رویکرد، سنجش چنین موضوعاتی در کنار شاخه‌هایی چون مطالعات ترجمه، ارزشیابی و آزمون‌سازی، سواد انتقادی و... می‌تواند نه تنها فصل جدیدی در مطالعات حوزه زبان‌شناسی کاربردی بگشاید، بلکه می‌تواند گشاینده مسیری نوین در بهره‌جویی بیشتر از رویکردی میان‌رشته‌ای در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی باشد.

همچنین توجه به این دسته از رویکردهای با بن‌مایه‌های انتقادی به‌ویژه در حوزه‌های علوم انسانی در جامعه ایران به‌طور عام و حوزه زبان‌شناسی کاربردی به‌طور خاص که استیلای رویکردهای جریان غالب و یا همان لیبرالی در آن کاملاً ملموس است (پیشقدم و ذبیحی، ۲۰۱۲) می‌تواند افق‌های جدیدی پیش‌روی پژوهشگران این حوزه‌ها ترسیم کند و آنها را در فضاهاى علمى داخلى و بین‌المللى از نوعى حاشیه‌نشینی^۱ و یا خودحاشیه‌رانی^۲ برهاند.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۴۸

دوره هفتم
شماره ۴
پاییز ۱۳۹۴

1. Marginalization
2. Self-Marginalization

- آقاگل زاده، فردوس (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان انتقادی (چاپ اول). تهران: انتشارات علمی - فرهنگی.
- آقاگل زاده، فردوس (۱۳۸۸). توصیف و نقد زبان شناسی کاربردی انتقادی: رویکردی نوین در زبان شناسی کاربردی. مجله زبان شناسی و گویش های خراسان، ۱(۱)، ۱۰۹-۱۲۶.
- آقاگل زاده، فردوس؛ داوری، حسین (۱۳۹۳). جهانی شدن و گسترش زبان انگلیسی: ضرورت ها و الزامات بهره گیری از رویکرد انتقادی در مواجهه با زبان انگلیسی در ایران. فصلنامه راهبرد فرهنگ، ۲۵، ۲۰۳-۱۷۹.
- احمدی پور، طاهره (۱۳۸۷). لزوم اتخاذ سیاست زبانی مناسب در برابر گسترش زبان انگلیسی. فصلنامه مطالعات ملی، ۳۵، ۱۱۹-۱۳۴.
- اصغری، فیروزه؛ زندی، بهمن (۱۳۹۲). عصب شناسی زبان؛ حوزه مطالعات بین رشته ای در زبان شناسی. فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، ۵ (۳)، ۷۷-۹۹.
- بحرانی، مرتضی (۱۳۹۰). ترجمه به مثابه اقدامی میان رشته ای. فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، ۱(۴)، ۱۱۳-۱۲۸.
- تقویان، ناصرالدین علی (۱۳۹۰). فهم انتقادی: پیش شرط روش شناختی مطالعات میان رشته ای. فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، ۳(۴)، ۲۱-۴۴.
- درزی، قاسم؛ پاکتچی، احمد (۱۳۹۳). نقش ترجمه فرهنگی در مطالعات میان رشته ای با تأکید بر الگوهای نشانه شناسی فرهنگی. فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، ۶(۴)، ۳۳-۴۹.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۰). از شرق شناسی تا مطالعات پسااستعماری. فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، ۳(۴)، ۶۱-۸۹.
- زندی، بهمن (۱۳۹۳). زبان شناسی تربیتی به مثابه حوزه پژوهشی میان رشته ای. فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، ۶(۴)، ۵۱-۷۰.
- موسوی، سیدصدرالدین؛ درودی، مسعود (۱۳۹۱). نگرشی انتقادی بر مطالعات پسااستعماری و رویکردهای آن. فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، ۵(۱)، ۳۹-۷۳.
- Akbari, R. (2008). Postmethod and practice. *TESOL Quarterly*, 42(4), 641-652.
- Anderson, C. (2003). Phillipson's children. *Language and Intercultural Communication*. 3(1), 81-95.
- Borjian, M. (2013). *English in post-revolutionary Iran*. Bristol: Multilingual Matters.
- Canagarajah, A. S. (1999). *Resisting linguistic imperialism in English teaching*. Oxford: Oxford University Press.
- Cook, G. (2005). Calm seas or troubled waters? Transitions, definitions and disagreements in applied linguistics. *International Journal of Applied Linguistics*, 15(3), 282-301.



- Cook, V. (2009). Applied linguistics and language teaching in the 21st century. In V. Cook and L. Wei (eds.) *Introduction to Contemporary Applied Linguistics*. (pp. 139-162). New York: Mouton de Gruyter.
- Crystal, D. (1997). *English as a global language*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Canagarajah, S., Said, B. S. (2011). Linguistic imperialism. In J. Simpson (ed.). *The Routledge Handbook of Applied Linguistics*. (pp. 388-400). Abingdon: Routledge.
- Davies, A., Elder, C. (2004). *The handbook of applied linguistics*. Oxford: Blackwell.
- de Beaugrande, R. (1997). Theory and practice in applied linguistics: Disconnection, conflict and dialectic? *Applied Linguistics*, 18, 279-313.
- Dean, M. (1994). *Critical and affective histories: Foucault's methods and historical sociology*. London: Routledge.
- Fairclough, N. (1989). *Language and power*. London: Longman.
- Foucault, M. (1975). *Discipline and punish*. New York: Vintage.
- Freire, P. (1970). *Pedagogy of the oppressed*. New York, Continuum.
- Graddol, D. (1997). *The Future of english*. London: British Council.
- Graddol, D. (2006). *English next*. London: British Council.
- Graddol, D. (2010). *English next India*. London: British Council.
- Graddol, D. (2013). *Profiling English in China*. Cambridge: Cambridge English Language Assessment.
- Gray, J. (2013). *The construction of English: Culture, consumerism and promotion in the ELT global coursebook*. London: Palgrave Macmillan.
- Hanson, J. (1997). The mother of all tongues. Review of English as a global language, *Times Higher Education Supplement*, 1288, 22.
- Holliday, A. (1994). *Appropriate methodology and social context*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Holliday, A. (2005). *The struggle to teach English as an international language*. Oxford: Oxford University Press.
- Honey, J. (1997). *Language as power: The story of standard English and its enemies*. London: Faber and Faber.
- Johnston, B., (2003). *Values in English language teaching*. Mahawah, NJ: Lawrence Erlbaum Association.
- Kaplan, R. (2010). *The Oxford handbook of applied linguistics*, Oxford: Oxford University Press.
- Mahboob, A., Paltridge, B. (2013). Critical discourse analysis and critical applied linguistics. In C. Chapelle (Ed.), *The Encyclopedia of Applied Linguistics*.
- Markee, N. (1990). Applied linguistics: What's that? *System*, 18, 315-324.
- Pennycook, A. (1999). Introduction: Critical approaches to TESOL. *TESOL Quarterly*, 33, 329-348.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۵۰

دوره هفتم
شماره ۴
پاییز ۱۳۹۴



- Pennycook, A. (2001). *Critical applied linguistics: A critical introduction*. Mahawah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Phillipson, R. (1992). *Linguistic imperialism*. Oxford: Oxford University Press.
- Pishghadam, R., Zabihi, R. (2012). Crossing the threshold of Iranian TEFL. *Applied Research in English*, 1(1), 57-71.
- Price, J. B. (1984). *The languages of Britain*. London: Arnold.
- Ricento, T., (Ed.) (2005). *An Introduction to language policy: Theory and method*. Malden: Blackwell Publishing.
- Skutnabb-Kangas, T. (1988). *Multilingualism and the education of minority children*. In T. Skutnabb-Kangas and J. Cummins (Eds.) Berlin: Mouton de Gruyter.
- Skutnabb-Kangas, T. (1998). Human rights and language wrongs - a future for diversity?. *Language Sciences*, 20(1), 5-28.
- Simon, R. (1992). *Teaching against the grain: Essays towards a pedagogy of possibility*. London: Bergin & Garvey.
- Tollefson, J. W. (2006). Critical theory in language policy. In T. Ricento (Ed.), *An Introduction to Language Policy: Theory and Method* (pp. 42-59). Malden: MA: Blackwell.
- Tsuda, Y. (2002). The hegemony of English: Problems, opposing views, and communication rights. In G. Mazzaferro (Ed.), *The English language and power* (pp. 19-31). Alessandria, Italy: Edizioni dell'Orso.
- Tsuda, Y. (2008). *English hegemony and English divide*. *China Media Research*, 4(1), 47-55.
- Wolf, H., Polzenhagen, F. (2009). *World Englishes: A cognitive sociolinguistic approach*. Berlin and New York: Mouton de Gruyter.

Archive of SID